



## گوشه‌ای از خاطرات من

بعد از چهار سال ایام مهاجرت در جنگ بین‌المللی اول و بازگشت به طهران جلسات دوستان مهاجر و رفقای قدیم که طهران مانده بودند هر هفته یک روز در منزل یکی از دوستان برقرار بود .

خوشبختانه این دوستی تا آخر عمر هر یک از دوستان خلل‌پذیر نشد .

خلل‌پذیر بود بود هر بنا که می‌بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است

آقا میرزا محمد صادق طباطبائی - شاهزاده سلیمان میرزا - میرزا حسین‌خان سمعی (ادب السلطنه) - میرزا محمد علی‌خان وزیری - میرزا قاسم‌خان صوراسرافیل - میرزا کریم‌خان اکبر - حاج میرزاعلیمحمد دوات‌آبادی - حاج میرزا شمس‌الدین‌خان فطن‌الملک - ناصرالاسلام ندامانی - سعیدالعلما - بینش و چند نفر دوستان دیگر دور هم جمع می‌شدیم صمیمیت کاملی در بین بود از سیاست و عملیات دولت هم گاهی صحبت و تشقید می‌شد .

دولت و ثوق‌الدوله با ماها رابطه و موافقتی نداشت ولی مانع این معاشرت و تجمع دوستانه هم نمی‌گردید . ضمناً به مناسبت سوابق خدمات دولتی و اداری که هر یک از آقایان داشتند کارهایی در نظر گرفته و به آنها پیشنهاد می‌شد .

من آنچه مربوط بخودم پیش آمده است (بنابه یادآوری‌های آقای دکتر وحیدنیا که ماشاءالله پشت کار تام و تمامی دارند) برای درج در مجله شریفه خاطرات یادداشت می‌نمایم .

در کابینه وثوق الدوله شاهزاده اکبر میرزا مسعود (صارم الدوله) وزیر مالیه بود برای جلب نمایندگان سابق در ایام فطرت کمیسیونی مرکب از اعضاء سابق کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورایی ملی ( دوره سوم تقنینیه ) دروزارت دارائی تشکیل داده بود . این کمیسیون به ریاست آقا میرزا محمد صادق طباطبائی در اطاق وزیر دارائی تشکیل می-گردید ، وزیر دارائی هم در جلسات کمیسیون که در هفته دو روز تشکیل می گردید شرکت می نمود .

کمیسیون نسبت به امور کلی اظهار نظر نموده و آئین نامه های وزارت دارائی را تصویب می کرد منتهی که در نمایندگی دوره سوم عضو کمیسیون مالیه بوده غالباً مخبر و گاهی هم رئیس بوده ام در این کمیسیون وزارت مالیه دعوت داشته و در جلسات کمیسیون شرکت می نمودم و آشنائی من با شاهزاده صارم الدوله از همان موقع برقرار گردید .



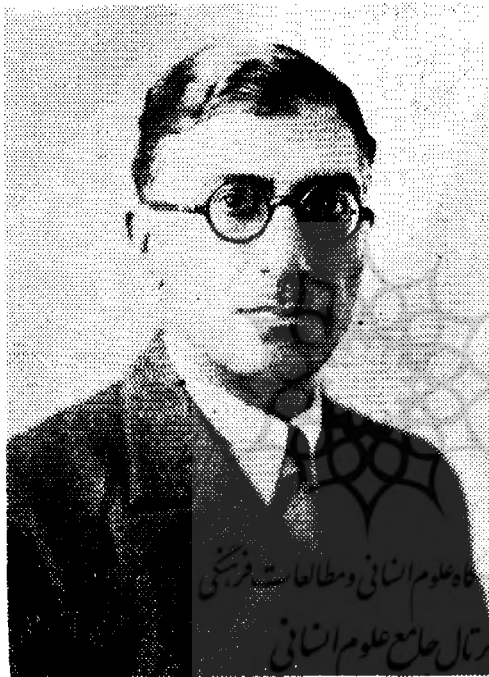
بعد از چندی وزیر دارائی دستور رئیس دولت به من پیشنهاد نمود که به پیشکاری مالیه کرمان و بلوچستان بروم من در سه موضوع با وزیر دارائی صحبت کردم :

### وثوق الدوله

- ۱- گفتم چون در مهاجرت عضو حکومت ه وقت مهاجرین بوده و در جنگ بین المللی اول با مهاجرین همکاری کرده ام ممکن است در مأموریت من به جنوب مخالفت هایی بشود.
- ۲- باید نسبت به قبول این مأموریت با دوستان خود مشورت بکنم و موافقت آنها برای من شرط قبول مأموریت خواهد بود .
- ۳- بودجه اداره پیشکاری مالیه کرمان را مطالعه کرده ام حقوق پیشکار کم است و با این مبلغ من نمی توانم مسئولیت این خدمت را قبول کنم .

و خواهش کردم خوبست در طهران خدمتی رجوع شود که اشکالی پیش نیاید و مقصودم از این تقاضا این بود که معاشرت با دوستان را از دست ندهم . این مذاکرات به اوایل محرم کشید دهه‌عاشورا و تعطیل چند روزه وزارتخانه‌ها پیش آمد و موضوع مسکوت ماند .

بعد از تعطیل، تلفنی از منزل صارم الدوله وزیر مالیه به منزل ما شد و خواستند به ملاقات ایشان بروم صبح روزی به پارك امین السلطان که منزل صارم الدوله و متعلق به خانم ایشان صبیبه میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابك اعظم بود رفتم جمعیت زیادی از مراجعین در باغ و خیابان‌های پارك ایستاده و منتظر آمدن وزیر بودند .



اکبر میرزا مسعود  
صارم الدوله

صارم الدوله از اندرون بیرون نیامده بود اتومبیلی هم با انتظار وزیر دارائی در باغ حاضر بود در این بین شاهزاده صارم الدوله آمدند و مراجعین هجوم آوردند که مطالب خود را اظهار دارند ایشان بدون اینکه با کسی حرفی بزنند با اشاره من را طلبیده در اتومبیل نشسته متفقاً براه افتادیم در بین راه کافذی را دادند من بخوانم در این کاغذ خصوصی که با عنوان قربان حضور مبارکت شوم شروع شده بود صارم الدوله به وثوق الدوله رئیس الوزراء نوشته بود پیشکار مالیه کرمان ده هزار تومان تقدیم کرده که در مأموریت خود ابقاشود، حاج عزالممالک هم تا اضافه مواجب نگیرد نمی رود امر امر مبارك است .

در حاشیه کاغذ چلیپا و ثوق الدوله نوشته بود اضافه مواجب بدهید حاج عزالممالک را بفرستید. (مقایسه ده هزار تومان در سال ۱۲۹۸ پنجاه و چهار سال قبل که لیره طلا در جنگ بین المللی اول در سه تومان خرید و فروش می شد و حالیه که در روزنامه خواندم پهلوی طلا به دو بیست تومان رسیده است با خوانندگان محترم است که تقریباً از چند صد هزار تومان بیشتر می شود.)

من به وزیر دارائی گفتم با دوستان مشورت کرده ام و با مأموریت من موافقت موضوع اضافه مواجب هم بادستور رئیس دولت حل شده ولی راجع بموضوع اول احتمال مخالفت خارجی ها چه می شود؟ گفت دولت مقتدر است و اشکالی پیش نخواهد آمد.

اتومبیل در مقابل عمارت وزارت دارائی در ارك متوقف شد و با وزیر دارائی به اطاق وزارتیه رفتم آقای وزیر دارائی دستور دادند حکم پیشکاری مالیه کرمان و بلوچستان با یکصد تومان اضافه حقوق که جمعاً چهارصد تومان می شد برای من صادر گردد.

کارهای مقدماتی این انتصاب چند روز طول کشید در این بین محرمانه مطلع شدم کنسول انگلیس در کرمان با انتصاب من مخالفت کرده و سفارت انگلیس یادداشتی به صارم الدوله نوشته و خواسته است که از انتصاب من به پیشکاری مالیه کرمان و بلوچستان صرف نظر شود.

در همین حال خبر انتصاب من به کرمان رسیده بود جمعی در تلگرافخانه اجتماع کرده و ابقای پیشکار مالیه فعلی را از دولت درخواست نموده اند.

جواب سفارت انگلیس و اقدامات دولت را در این موضوع آنچه دانستم در خاطرات خصوصی خود یادداشت کرده ام و بعد از مرگ من اگر چاپ شود جزئیات آن تشریح خواهد گردید فعلاً از ذکر آن صرف نظر کرده می نویسم که حکم پیشکاری من صادر و ابلاغ گردید در آن تاریخ هم کاری اداری من بیش از آن انتظاری نداشت. حالاً رفتن به کرمان کار آسانی نبود زیرا من ~~بسیار~~ شخصی نداشتم دولت هم وسیله ای نمی داد یعنی وسائلی نداشت که به پیشکار دارائی بدهد کالسکه چاپاری هم مابین طهران و کرمان وجود نداشت بالاخره با هر زحمت يك کالسکه چي آذر بایجانی پیدا شد که کالسکه خود را پس چهار اسب اجاره بدهد و من را به کرمان برساند این مسافرت چهل روز طول کشید زیرا برای راحتی اسبها که بتوانند دو بیست فرسنگ راه مابین طهران و کرمان را طی کنند نمی بایستی در قم - کاشان - اصفهان - یزد و رفسنجان در هر شهر یسکنی دو شب متوقف اضافه نمود.

اگرچه مسافرت طولانی بود اما زیارت حضرت معصومه علیها سلام در قم خود

نعمتی بود به‌لاوه پذیرائی امین‌التجار اصفهانی در منزل اصفهان و ناهار مفصل آقای فاطمی پیشکار مالیه اصفهان و پذیرائی مفصل دو شبانه روز مشیر الممالک پیشکار مالیه یزد بقدری خوب بود که زحمت راه را از بین برد مابین یزد و کرمان هم صحبت از دزدی و غارت می‌کردند چند قراسواران در این منازل با کالسکه ما آمدند و دائماً ما را از دزدوچپاول بین راه می‌ترسانیدند .

در منزل انار محلی برای توقف نبود ناچار به تلگرافخانه آنجا رفته آقای مارتین رئیس تلگرافخانه انار از من و همراهان پذیرائی کرد و این محبت و دوستی باوجود گذشت پنجاه و چهارسال هنوز برقرار است .



احمد قوام (قوام السلطنه)

در رفسنجان هم دو روز توقف کرده بطور اجمال به مالیه آنجا رسیدگی کرده عازم کرمان شدیم. مأموریت من در کرمان تقریباً دو سال طول کشید و در این دو سال چند وزیر مالیه تغییر کرد و با من کاری نداشتند یا شخصاً با من آشنا و دوست بودند یا با دوستان من آشنائی داشتند تا اینکه قوام السلطنه روی کار آمد کفیل مالیه هم کسی بود که میدانستم با امثال من سروکار ندارد قبل از اینکه احضار شوم خود را حاضر می‌نمودم که باید

به طهران بروم همینطور هم شد و احضار شدم باقی خاطرات این مسافرت اگر عمری بود به بعد مکتوب می‌شوند .

امان‌الله اردلان

۱۸ خرداد ۱۳۵۲

شمسی هجری